

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه اخلاق

موضوع:

بنیادهای اخلاق دینی و سکولار

استاد راهنما:

دکتر محمدحسین مهدوی نژاد

استاد مشاور:

دکتر سید علی علم الهدی

دانشجو:

سیده اعظم هاشمی

شهریور ۱۳۹۰

تقدیم ہے:

پدر و مادر

## پاسکزاری:

در نگارش این پایان نامه، بیش از همه از استاد محترم راهبنا جناب آقای دکتر محمد حسین مهدوی نژاد شکر و قدر دانی می‌نمایم، که روند پژوهش را هدایت کردند و ضمن معرفی برخی منابع و یادآوری نکات ارزشمند، از خطاهای آن کاستند. آشکار است که مسوولیت لغزش‌های منطقی و خطاهای احتمالی با من است. مشاور محترم پایان نامه، جناب آقای دکتر سید علی علم الهدی نیز با ارائه نکته‌های مفید و به خصوص در آغاز تحقیق، کمک بسیار کردند و ضروری است از زحماتشان شکر کنم. همچنین باید از لطف بسیار جناب آقای دکتر رسول رسولی پور یاد کنم که پیشنهاد موضوع رساله از ایشان بوده است و از راهبانی‌های ارزشمندشان شکر می‌کنم. بر خود لازم می‌دانم از راهبانی‌های ارزشمند جناب آقای دکتر مرتضی فتحی زاده نیز پاسکزاری نمایم.

## چکیده

موضوع اخلاق دینی و اخلاق سکولار در تاریخ فلسفه ابتدا در رساله اتوفرون، افلاطون مطرح شده است. افلاطون در این رساله به این مسأله می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که خدا به این دلیل که امر خوب، خوب است به آن فرمان داده است. او پایه اخلاق را غیردینی می‌داندست، ولی با شروع قرون وسطی و حاکمیت کلیسا بر مبانی دینی اخلاق تأکید شد، یکی از مهم‌ترین نظریات اخلاقی، نظریه امرالهی است. این نظریه در جهان اسلام به شکل نزاع معتزله و اشاعره درباره اوصاف و افعال الهی مطرح شده است.

این موضوع بار دیگر در دوران جدید اهمیت یافته و دو پیامد مهم این دوره، دیدگاه فیلسوف وظیفه‌گرا، ایمانوئل کانت و اندیشمندان مکتب نتیجه‌گرایی مانند نظریه فایده‌گرایی جرمی بنتام و جان استوارت میل می‌باشد که مبانی عقلانی موجه و مستقلی برای اخلاق در نظر گرفتند.

با این حال برخی متفکران نیز از طرق مختلف بر مبانی الهیاتی اخلاق تأکید می‌کنند و واقعیت اخلاقیات را بدون در نظر گرفتن نیروی متعالی و آگاه قابل دفاع نمی‌دانند و برخی نیز از طریق سرشت الهیاتی الزام اخلاقی موجب تزلزل عقلانی نظریات اخلاقی شده‌اند.

این رساله پس از بیان مبانی اخلاق دینی و اخلاق سکولار و ارائه نظریات فیلسوفان، به میزان سازگاری درونی اخلاق دینی و اخلاق سکولار در نتیجه رساله می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، دین، خدا، اخلاق دینی، اخلاق سکولار، واقع‌گرایی، الزام اخلاقی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۲	۱. طرح مسأله.....
۳	۲. سؤال‌های اصلی تحقیق.....
۴	۳. سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
۴	۴. فرضیه‌ها.....
۵	۵. اهداف.....
۵	۶. چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟.....
۵	۷. روش انجام تحقیق.....
۵	۸. مروری بر مباحث تحقیق.....
۷	فصل اول: ایضاح مفاهیم محوری.....
۸	۱-۱ تعریف واژه اخلاق.....
۸	۲-۱ تعریف واژه دین.....
۱۱	۳-۱ رابطه دین و اخلاق.....
۱۱	۱-۳-۱ اتحاد دین و اخلاق.....
۱۲	۲-۳-۱ جدایی دین و اخلاق.....
۱۵	۳-۳-۱ تعامل دین و اخلاق.....
۱۶	۴-۱ معنای اخلاق دینی.....
۱۷	۵-۱ ویژگی‌های اخلاق دینی.....
۱۸	۶-۱ سکولاریسم- واژه‌شناسی و تعریف.....
۲۰	۷-۱ سکولاریسم- زمینه تاریخی.....
۲۲	۸-۱ مفاهیم مختلف سکولار شدن.....

۲۳	..... ۹-۱ سکولاریزاسیون
۲۴	..... ۱۰-۱ اخلاق سکولار- دیدگاه هیلاری پاتنم
۲۷	..... ۱۱-۱ معنای اخلاق سکولار
۲۹	..... ۱۲-۱ ویژگی های اخلاق سکولار
۳۰	..... فصل دوم: مبانی اخلاق دینی و نظریات آن
۳۱	..... ۱-۲ مبانی معرفت شناختی
۳۱	..... ۱-۱-۲ جایگاه عقل در معرفت و اخلاق دینی
۳۳	..... ۲-۱-۲ عقلانیت و منابع معرفتی
۳۳	..... ۳-۱-۲ مطلق گرایی
۳۴	..... ۴-۱-۲ نقد و بررسی
۳۵	..... ۲-۲ مبانی هستی شناختی
۳۵	..... ۱-۲-۲ رابطه دنیا با دنیای ماوراء طبیعت
۳۶	..... ۲-۲-۲ نقد و بررسی
۳۶	..... ۳-۲ مبانی انسان شناختی
۳۶	..... ۱-۳-۲ بندگی و خدامحوری
۳۷	..... ۲-۳-۲ مرگ اندیشی
۳۸	..... ۳-۳-۲ نیت
۳۸	..... ۴-۳-۲ توکل
۳۸	..... ۵-۳-۲ امر به نیکی و نهی از بدی و مهار خودگروی
۳۹	..... ۶-۳-۲ تکلیف
۴۰	..... ۷-۳-۲ نقد و بررسی
۴۱	..... ۴-۲ نظریه امر الهی
۴۲	..... ۱-۴-۲ نظریه امر الهی: از منظر تاریخی
۵۵	..... ۲-۴-۲ نظریه امر الهی در جهان اسلام

۶۰	..... فصل سوم: بنیاد اخلاقی دینی - واقع گرایی و الزام اخلاقی.....
۶۲	..... ۱-۳ ارزش های اخلاقی، شناخت گرایی و ناشناخت گرایی، واقع گرایی و نسبیت گرایی..
۶۹	..... ۲-۳ تبیین اخلاق دینی از طریق کلیت واقع گرایی اخلاقی.....
۷۱	..... ۱-۲-۳ نظریه لویس.....
۷۵	..... ۲-۲-۳ نظریه دیگر مدافعان لویس.....
۷۸	..... ۳-۳ الزام اخلاقی: جدال شناخت گرایی و ناشناخت گرایی.....
۸۲	..... ۱-۳-۳ تبیین اخلاق دینی از طریق الزام اخلاقی.....
۸۶	..... ۲-۳-۳ استدلال های دینی به نفع اخلاق دینی از طریق الزام اخلاقی.....
۹۰	..... ۴-۳ آیا الزام اخلاقی و واقع گرایی موفق به اثبات اخلاق دینی شده اند؟.....
۹۶	..... فصل چهارم: مبانی اخلاق سکولار و نظریات آن.....
۹۸	..... ۱-۴ مبانی معرفت شناختی.....
۹۸	..... ۱-۱-۴ شک گرایی.....
۱۰۰	..... ۲-۱-۴ نسبیت گرایی.....
۱۰۲	..... ۳-۱-۴ عقل گرایی.....
۱۰۳	..... ۴-۱-۴ علم باوری.....
۱۰۵	..... ۵-۱-۴ کثرت گرایی.....
۱۰۷	..... ۶-۱-۴ نقد و بررسی.....
۱۱۱	..... ۲-۴ مبانی هستی شناختی.....
۱۱۲	..... ۱-۲-۴ نفی رابطه دنیا با دنیای ماوراء طبیعت.....
۱۱۳	..... ۲-۲-۴ ماتریالیسم.....
۱۱۴	..... ۳-۲-۴ نقد و بررسی.....
۱۱۴	..... ۳-۴ مبانی انسان شناسی.....
۱۱۴	..... ۱-۳-۴ اومانیزم.....
۱۱۶	..... ۲-۳-۴ حق گرایی در مقابل تکلیف گرایی.....



۱۱۷	.....۳-۳-۴ فردگرایی
۱۱۸	.....۴-۳-۴ لیبرالیسم
۱۲۰	.....۵-۳-۴ نقد و بررسی
۱۲۱	.....۴-۴ نظریه کانت
۱۲۱	.....۱-۴-۴ نظریه شناخت و شناخت خدا
۱۲۳	.....۲-۴-۴ اخلاق کانت
۱۳۱	.....۳-۴-۴ مفهوم خیر، خدا و دین در نظر کانت
۱۴۰	.....۵-۴ مکتب نتیجه‌گرایی
۱۴۶	.....جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۴۷	.....۱- اخلاق سکولار و میزان سازگاری درونی آن
۱۴۸	.....۲- اخلاق دینی و میزان سازگاری درونی آن و تفاوت‌های آن با اخلاق سکولار
۱۵۳	.....فهرست منابع

# مقدمه

## ۱- طرح مسأله

- آیا مفاهیم اخلاقی بدیهی وجود مستقل از امر و نهی خداوند دارند؟

این مسأله بیشتر در فلسفه غرب مطرح شده است و در جهان اسلام میان معتزله و اشاعره که بیشتر به صفات اخلاقی پرداخته‌اند تا افعال آدمی.

در دوره اخلاق یونانی (دوره مرجعیت عقل، افلاطون برای اولین بار این مسأله را در رساله اتوفرون به این صورت مطرح کرد که آیا اخلاق به دلیل اینکه مقدس و محبوب است، محبوب خداست یا به دلیل اینکه خدا خواسته، مقدس و محبوب است. که شق اول آن به دلیل مرجعیت عقل پذیرفته شد. در دوره اخلاق قرون وسطی، مسأله دین به عنوان پیام خداوند (وحی) که برای همه انسان‌ها در همه دوران‌ها کافی است و نیازی به اثبات عقل نیست مطرح می‌شود، در این دوره فیلسوفانی نظیر آگوستین، آبلارد، آنسلم، اکام و دیگران، اخلاق را در حوزه دین و فرامین خدا تعریف کردند و در اواخر قرون وسطی، آکوئیناس برخلاف آنها شق اول طرح افلاطون را می‌پذیرد. در دوره روشنگری با تکیه بر انسان‌گرایی و خردگرایی مبنایی غیردینی برای اخلاق فراهم شد و اخلاق مستقل از دین مورد بررسی قرار گرفت.

مکاتب اخلاقی از قبیل وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی بر حسب اینکه اخلاق را جدای از دین یا همراه آن در نظر می‌گرفتند تفسیرهای مختلفی دارند، نمونه بارز مکتب وظیفه‌گرایی، مکتب کانت می‌باشد، که اخلاق را غیردینی می‌دانست و نمونه‌هایی از مکتب نتیجه‌گرایی مانند فایده‌گروی جرمی بنتام و جان استوارت میل اخلاق را خارج از حوزه دین قرار دادند. نظریه فرمان الهی به طور مشخص یکی از نظریات وظیفه‌گرای قاعده‌محور می‌باشد که معیار صواب و خطا را اراده خدا می‌داند، این دیدگاه می‌تواند نتیجه‌گرا هم باشد به این ترتیب که یک متکلم می‌تواند بگوید اگر دستورات خدا را انجام دهیم در نهایت به سود ما خواهد بود. اشاعره از این دیدگاه پیروی می‌کنند، اشاعره در اسلام و عده‌ای از فیلسوفان غربی که معتقد به اخلاق دینی هستند معتقدند که ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی به لحاظ وجودی تابع امر و نهی خداوند هستند، یا ارزش‌های اخلاقی به لحاظ وجودی عین اوصاف دینی یا مترتب بر اوصاف دینی می‌باشند، عده‌ای از آنان معتقدند این اوصاف با

لحاظ وجودی مستقل از یکدیگرند و در عین حال متلازمند که البته ارتباط تلازمی می‌تواند با غیردینی بودن اخلاق جمع شود.

عده‌ای از نظریه‌پردازان اخلاق دینی در دوران معاصر از طریق واقع‌گرایی اخلاقی و الزام اخلاقی به دفاع از اخلاق دینی پرداخته‌اند. البته اخلاق کانت که غیردینی می‌باشد هم واقع‌گرایی اخلاقی را اثبات می‌کند.

مسئله استقلال یا عدم استقلال مفاهیم اخلاقی بدیهی از امر و نهی خداوند، باعث شده است که اخلاق دینی و اخلاق سکولار از جهت معنی و همین‌طور از نظر مبانی با یکدیگر متفاوت باشند. مدافعان نظریه‌پردازان این دو نظریه اخلاقی در جهت تبیین نظریه خود استدلال‌هایی بیان کرده‌اند.

## ۲- سؤال‌های اصلی تحقیق

- اخلاق دینی و اخلاق سکولار به چه معناست؟
- اخلاق دینی و اخلاق سکولار مبتنی بر کدام مبانی هستند؟
- این نظریات تا چه میزان از سازگاری درونی برخوردارند؟

## سؤال‌های فرعی تحقیق

- آیا دین می‌تواند مقدم بر اخلاق باشد؟
- آیا دین و اخلاق مستقل از یکدیگرند؟
- آیا دین و اخلاق در تباین با یکدیگرند؟
- آیا اخلاق مستقل از دین و مرجعیت خدا می‌تواند برای انسان‌ها مرجع نهایی باشد؟
- آیا اوامر الهی می‌تواند اصول اخلاقی را مهم‌تر جلوه دهد؟
- آیا واقع‌گرایی اخلاقی و الزام اخلاقی می‌تواند اخلاق دینی را اثبات کند یا نه؟

### ۳. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

تا کنون محققان مغرب‌زمین به این بحث زیاد پرداخته‌اند، اما در جهان اسلام کمتر پرداخته شده است و اگر هم پرداخته شده منسجم نیست، از این رو لازم است که تحقیقی نظام‌مند در این زمینه صورت گیرد.

### ۴. فرضیه‌ها

- معانی و مبانی اخلاق دینی و سکولار با یکدیگر تفاوت دارد.
- اخلاق سکولار، اخلاق را مستقل از دین می‌داند.
- خدا و دین در اخلاق سکولار نقش ندارند.
- اخلاق دینی بدون فرض وجود خداوند معنا ندارد.
- مبانی معرفت‌شناسی اخلاق سکولار عبارتند از: شک‌گرایی، نسبی‌گرایی، عقل‌گرایی، علم‌باوری، کثرت‌گرایی.
- مبانی هستی‌شناختی اخلاق سکولار عبارتند از: نفی رابطه دنیا با دنیای ماورای طبیعت و ماتریالیسم.
- مبانی انسان‌شناختی اخلاق سکولار عبارتند از: اومانیزم، حق‌گرایی، فردگرایی و لیبرالیسم.
- عقل در مبانی معرفت‌شناختی اخلاق دینی نقش دارد.
- رابطه دنیا با دنیای ماوراء طبیعت از مبانی هستی‌شناختی اخلاق دینی است.
- مبانی انسان‌شناختی اخلاق دینی عبارتند از: بندگی و خدامحوری، مرگ‌اندیشی، نیت، توکل، تکلیف، امر به نیکی و نهی از بدی و مهار خودگرایی.

## ۵. اهداف

می‌خواهیم این مدعا را موجه سازیم که مبانی اخلاق دینی و اخلاق سکولار با یکدیگر تفاوت دارد. اخلاق دینی در تمام مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و هستی‌شناختی از سازگاری درونی نسبت به اخلاق سکولار برخوردار است.

## ۶. چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

مورد استفاده دانشگاهیان، محققان در حوزه فلسفه اخلاق و بعضاً فلسفه دین.

## ۷. روش انجام تحقیق

روش توصیفی - تحلیلی

## ۸. مروری بر مباحث تحقیق

در فصل اول به ایضاح مفاهیم محوری از قبیل تعریف واژه اخلاق، دین، رابطه دین و اخلاق و همین‌طور ویژگی‌ها و معانی اخلاق دینی و اخلاق سکولار خواهیم پرداخت و سکولاریسم را از جهت تاریخی و معانی مختلف آن بررسی می‌کنیم. فصل دوم به مبانی اخلاق دینی و نقد و بررسی آن می‌پردازد و نظریه امر الهی در جهان غرب و اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سوم در زمینه بحث فرا اخلاقی به نظریات شناخت‌گرایانه و ناشناخت‌گرایانه اشاره می‌کنیم و سپس در دفاع از اخلاق دینی، واقعیت و آفاقی بودن قواعد اخلاقی مقدم گرفته می‌شود، مدعا این است که واقعیت این ارزش‌های اخلاقی بدون وجود خداوند بی‌معنا و بی‌ارزش است. و همین‌طور از طریق الزام اخلاقی که نقطه عزیمت آن روان‌شناسی اخلاق است به دفاع از اخلاق دینی و شرح نظریات مختلف فیلسوفان در دفاع از اخلاق دینی پرداخته خواهد شد. در انتهای فصل میزان موفقیت این نظریات را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

فصل چهارم ساختاری مشابه فصل دوم دارد. با این تفاوت که به مبانی اخلاق سکولار می‌پردازد، در ادامه به دو پیامد اخلاق سکولار یعنی دیدگاه کانت و دیدگاه نتیجه‌گرایی می‌رسیم که دیدگاه‌هایی مهم در اخلاق سکولار و در دفاع از آن می‌باشند.

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به میزان سازگاری درونی اخلاق سکولار و اخلاق دینی خواهیم پرداخت.

# فصل اول

## ایضاح مفاهیم محوری



## ۱-۱ تعریف واژه اخلاق

مفهوم اخلاق دچار ابهام و پیچیدگی است. این ابهام و پیچیدگی، نخست از ناحیه تعریف‌های پرشماری است که برای آن ارائه شده است و سپس از ناحیه کاربردهای آن است.

اصطلاح اخلاق در زبان فارسی دارای همان ابهام و ابهامی است که در زبان انگلیسی برای این واژه وجود دارد شاید بتوان ادعا کرد ابهامی که این لفظ در زبان فارسی دارد از ابهام آن در زبان انگلیسی بیشتر است. چرا که در زبان انگلیسی که سخن از اخلاق (Ethics) می‌رود، میان علم اخلاق و فلسفه اخلاق اشتراک لفظی وجود دارد و باعث خلط و خبط می‌شود، ما شاهد مفهومی دیگر یعنی اخلاقیات (morality) هستیم که میان هنجارهای اخلاقی و اخلاقیات با معارف اخلاقی خط تمیزی به وجود می‌آورد، در زبان فارسی چه برای فلسفه اخلاق، چه برای علم اخلاق و چه برای هنجارهای اخلاقی و اخلاقیات از مفهوم «اخلاق» استفاده می‌کنیم و همان‌طور که ذکر آن رفت این نکته، بر ابهامات مفهومی و فلسفی، می‌افزاید. (کاجی، ۱۳۸۴: ۴۱).

اخلاق واژه‌ای عربی و جمع خَلَق یا خُلُق است. در لغت به معنی سرشت و طبیعت و همچنین روش و سلوک آمده است. واژه اخلاق وقتی که از خَلَق گرفته شود، به طبیعت و آفرینش ظاهری انسان، و هنگامی که از خُلُق گرفته شود، به طبیعت و طینت باطنی او نظر دارد. (سربخشی، ۱۳۸۸: ۴۰) واژه اخلاق به خودی خود ناظر به یکی از دو طرف خوبی و بدی، یا زیبایی و زشتی نیست و نسبت به همه آنها اعم است؛ بنابراین برای نشان دادن هر کدام از این مفاهیم، باید این واژه را به صورت صفت و موصوف به کار برد؛ همانند اخلاق خوب و اخلاق بد. (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۷)

## ۲-۱ تعریف واژه دین

از دین نیز تعریف‌های متفاوتی به دست داده شده است که می‌توان آنها را در چند دسته کلی خلاصه کرد:

۱. دین، اعتقاد به وجود خدای سرمدی دارای قدرت مطلق است که با حکمت و اراده خود به جهان حکم می‌راند و با بشر دارای مناسبات اخلاقی است. تعریف هربرت اسپنسر مبنی بر اینکه دین،

تصدیق و اذعان به این مطلب است که تمام اشیاء تجلیات قادری هستند که فراتر از شناخت ماست و تعریف هارالد هافرینگ، از آن حیث که بر اعتقاد تکیه می‌کند و می‌گوید: جوهره دین، اعتقادی است به دوام ارزش در جهان، از این سنخ هستند. (آلستون، ۱۳۷۶: ۲۳-۱۶). این گونه تعاریف، تعاریف مفهومی هستند.

۲. دین از سنخ شور و احساسی که به ایمان به سازواری میان ما و جهان تکیه دارد، و یا حالت خاص و حرمت‌آمیز روح است که آن را «خشیت» می‌نامیم و یا به قول فردریک شلایر ماخر: «جوهره دین عبارت است از احساس تعلق مطلق». (همان) این گونه تعاریف «شهودی» نامیده می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۰)

۳. دین، مجموعه‌ای از باورها، اعمال، شعایر و نهادهای دینی است که افراد بشر در جوامع مختلف بنا کرده‌اند. در اینگونه تعاریف، بر جنبه آئینی دین تکیه می‌شود. اینگونه تعاریف، جامعه‌شناختی و بعضاً پدیدارشناختی هستند (همان: ۲۱)

۴. دین، اخلاقیاتی است که به کمک احساسات، تعالی یافته و برانگیخته و فروزان شده است. تعریف اف.اچ. برادلی (که دین تلاشی است برای نشان دادن واقعیت کامل خیر از طریق تمام جنبه‌های وجودی انسان) و تعریف آئی.هایدون (قلب تپنده این مسئله تمامی قرون [یعنی دین] دست دراز کردن آدمی؛ این حیوان اجتماعی، در طلب ارزش‌های یک زندگی رضایت‌بخش است) (آلستون، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۰) از همین نوع است. در اینجا دین نوعی نگرش و فعالیت اخلاقی به شمار می‌رود.

۵. تعاریف‌های دیگری نیز وجود دارد که جنبه‌های بیشتری از دین را مدنظر می‌گیرند، در عین حال، بر وجود عنصر درون‌نگری و بصیرت باطنی در آن تأکید می‌کنند، در این گونه از تعاریف‌ها در کامل‌ترین وجه آن، دین‌داری دارای دستگاه اعتقادی، بصیرت باطنی (احساس و شهود) و رهبرد اخلاقی دانسته شده که حول مفهوم حقیقت غایی سامان می‌یابد. (همان) (نک: احمدی، ۱۳۸۴: ۲۱)

این تعاریف‌ها هر کدام ویژگی خاصی را منظور می‌کنند، به گفته مایکل پترسون شرط عقل آن است که هیچ‌کدام از این تعاریف‌ها را تعریف کامل قلمداد نکنیم؛ برای مثال ادیان ابتدایی نظیر ادیان شمنی (Shamanistic) وجود دارند که در آنها اعمال خضوع‌آمیز ناشی از ترس یا طمع است نه ناشی از خشیت ناب، لذا تعریف دوم جامع نیست. هم‌چنین ادیان قائل به چندخدایی،

(polytheistic religions)، به فرمانروای الهی واحدی معتقد نیستند، لذا تعریف اول نقض می‌شود. (پترسون، ۱۳۸۸: ۱۹) جامع‌ترین تعریف‌ها تعریف پنجم است، اما باز هم تردید وجود دارد، اشکالات وارده بر این‌گونه تعریف‌ها، عبارتند از اینکه اولاً به یکی از ابعاد دین تکیه می‌کنند و ابعاد دیگر آن را وامی‌نهند و ثانیاً ما را در معرض بی‌دقتی و مبهم‌گویی قرار می‌دهند و چه بسا حتی ظرایف مهم و پیچیده ادیان موجود با این‌گونه تعریف‌ها- تحریف می‌شوند؛ (آلستون، ۱۳۷۶: ۱۹) چون هر یک از این تعریف‌ها از منظر خاصی صورت می‌گیرد و به این لحاظ می‌توان آن‌ها را به تعریف‌های مفهومی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و پدیدارشناختی تقسیم کرد. روشن است که نگاه به دین از هر یک از این منظرها موجب می‌شود که به برخی از ابعاد آن توجه شود و بسیاری از ابعاد آن به یک بعد فروکاسته شود. (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲)

جان هیک ضمن اذعان به این مطلب که دین دارای معنای واحد مورد قبول نیست، به این نکته اشاره می‌کند که پدیدارهای متعددی تحت نام دین گرد می‌آیند. این پدیده‌ها به تعبیر لودویک ویتکنشتاین شباهت خانوادگی دارند، به عبارت دیگر، کلمه دین مانند کلمه بازی، ضمن این‌که با هیچ‌یک از خصوصیات آن قابل تعریف نیست، با وجود این، پدیدارهایی که دین نامیده می‌شوند دارای شباهت‌هایی هستند که افراد یک خانواده با هم دارند و می‌توان در درون این مجموعه متداخل، ویژگی فوق‌العاده شایعی یافت، اگرچه این ویژگی در همه افراد آن مشهود نباشد. به نظر او این ویژگی غالب و شایع در ادیان همانا آموزه نجات یا رستگاری است. (هیک، ۱۳۷۶: ۱۹-۱۶)

ما در این تحقیق دین را به صورت اعم به کار می‌بریم و ادیان توحیدی، مدنظرمان می‌باشد. اگر بخواهیم تعریفی از دین ارائه دهیم می‌توانیم اینگونه تعریف کنیم که دین آیینی است که دارای عقاید صحیح و مطابق با واقع است و رفتارهایی را که در رسیدن انسان‌ها به کمال و سعادت حقیقی تأثیر دارد، توصیه می‌کند. از آنجا که ادیان الهی بجز دین اسلام دستخوش تحریف قرار گرفته‌اند، در حال حاضر یگانه دینی که این ویژگی‌ها را دارد- یعنی دارای عقاید صحیح و مطابق با واقع است و رفتارهایی را که در رسیدن انسان‌ها به کمال و سعادت حقیقی تأثیر دارد، توصیه می‌کند- اسلام است. دیگر ادیان الهی همچون یهود و مسیحیت به دلیل تحریف بخشی از حقایق آنها در طول تاریخ، از

محدوده اصطلاح مذکور بیرون هستند؛ اگرچه این تعریف اصطلاح دین را می‌توان برای دین یهود و مسیحیت بیش از تحریف این ادیان، در نظر گرفت. (نک: حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸)

محتوای دین معمولاً از سه بخش تشکیل می‌شود: اعتقادات، اخلاق و احکام که ما در این تحقیق با بخش اخلاق سروکار داریم.

### ۳-۱ رابطه دین و اخلاق

#### ۱-۳-۱ اتحاد دین و اخلاق

درباره اتحاد دین و اخلاق، سه دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول این است که دین و اخلاق با یکدیگر متحد هستند و با یکدیگر وحدت و عینیت دارند. نمونه‌ای از این موضع اخلاقی در سخنان برخی از فیلسوفان وجود دارد:

ماتیو آرنولد می‌گوید: «دین همان اخلاق است، که احساس و عاطفه به آن تعالی، گرما و روشنی بخشیده است.» (هیگ، ۱۳۷۶: ۱۷)

اف. اچ. برادلی: «دین تلاشی است برای نشان دادن واقعیت کامل خیر از طریق تمام جنبه‌های وجودی انسان» (آلستون، ۱۳۷۶: ۲۰)

یوهان گوتلیپ فیشته متفکر آلمانی نیز تأکید می‌کند که مکان دین را باید در پیروی از قانون اخلاقی یافت و ایمان دینی عبارتست از ایمان به یک نظام اخلاقی. (عالمی، ۱۳۸۹: ۶۰)

تئودور پارکر، فیلسوف انگلیسی در مقاله‌ای به نام «ماندنی‌ها و رفتنی‌های مسیحیت» این دیدگاه را ابراز می‌کند. وی می‌نویسد: «مسیحیت چیزی ساده، بسیار ساده است. اخلاق مطلق و صرف است.» ظاهر این عبارت بر همین قول دلالت می‌کند که دین و اخلاق رابطه این‌همانی دارند و این دو از هم جدا نیستند، بلکه دین اخلاق ناب و خالص است. (همان)

دیدگاه دوم این است که اخلاق بخشی از دین است. این مطلب می‌تواند دو صورت داشته باشد: الف: منظور از این سخن این است که ادیان به‌ویژه ادیان توحیدی دارای تعالیم اخلاقی است. دستورها، آموزه‌ها و گزاره‌های اخلاقی بخشی از ادیان موجود را تشکیل می‌دهند، چنانکه معمولاً دین را دارای مثلث اعتقادات، اخلاقیات و احکام می‌دانند.